

سه‌شنبه ۲۲ مهر ۱۳۹۹ • ۲۵ صفر ۱۴۴۲ • ۱۳ اکتبر ۲۰۲۰

اخبار

فراخوان مسابقه نامه نگاری «برسد به دست خود» منتشر شد

فراخوان مسابقه نامه‌نویسی «برسد به دست خود» به بهانه روز جهانی پست (۹ اکتبر) با محوریت گفت‌وگوی مکتوب با آنکه در آینده هستید، در فضای مجازی منتشر شد.

عبدالجبار کاکایی، عبدالجواد موسوی و مهسا ملک مرزبان، از نویسندگان صاحب قلم و مطرح ایران، داوران این مسابقه هستند که ضمن انتخاب آثار ممتاز، برگزیده‌ای از نامه‌های مردمی را برای انتشار در کتابی با همین عنوان گزینش می‌کنند.

«برسد به دست خود» موضوع هدف نگاری و آینده نگری جامعه ایرانی را در شرایط بحرانی شیوع ویروس کرونا و مشکلات اقتصادی مد نظر قرار داده تا در تلفیق با نامه هایی خطاب به خود، برآیندی از نگاه مردم و اهدافشان داشته باشد.

مهرداد فاخر متولی برگزاری این‌مسابقه درباره شکل‌گیری این‌ایده گفت: هرسال به مناسبت روز جهانی پست در سراسر دنیا رویدادهای مختلفی برگزار می‌شود که از جمله آنها می‌توان به نمایشگاه‌های بین‌المللی و... اشاره کرد اما امسال بدلیل شیوع ویروس کرونا برگزاری این‌رویدادها میسر نبود. به همین دلیل به فکر ایده‌ای برای گرامی‌داشت سنتی‌ترین شکل ارتباطات مردمی افتادم. ضمن این‌که مدتی است به دلیل یک پروژه پژوهشی درباره «تپاکس» که امسال وارد شصتمین‌سال خدمت رسانی‌اش شده، اسناد و خاطرات گذشته‌ام را مرور می‌کردم که به مجموعه نامه‌هایی برخوردم که پدرم در اوایل دهه ۷۰ برای من که در خارج از ایران مشغول تحصیل بودم، می‌نوشت.

وی افزود: این نامه‌ها و انتظار دلچسپی که از پس دریافت هرکدام وجود داشت در دوران کودکی و نوجوانی به شدت بر من تأثیرگذار بود اما متأسفانه با گذشتن اینترنت و باثبع این نامه‌های الکترونیکی از یک طرف و رشد رسانه‌های دیجیتال از طرف دیگر، موضوع نامه نگاری به فراموشی سپرده شد و امروزه مردم ترجیح می‌دهند بجای انتظار برای انتقال پیام به یکدیگر، از سریع‌ترین شیوه‌ها استفاده کنند. فاخر در ادامه با اشاره به شرایط نامعلوم جامعه جهانی در حال جاری گفت: واضح است که بعد از پاندمی کرونا، جهان دیگر به شکل سابق نخواهد بود و سرعت دنیای دیجیتال به مراتب بیشتر هم خواهد شد اما برایم جالب و مهم است که بدانم مردم در این میان چقدر می‌توانند به آینده خود فکر و برای آن برنامه‌ریزی کنند؟ و اینکه اساسا دورترین آینده‌ای که می‌توانند متصور شوند، مربوط به چند سال آتی است؟ به همین‌دلیل تصمیم گرفتم مسابقه‌ای با محوریت گفت‌وگوهای مکتوب با آنکه در آینده هستید با عنوان «برسد به دست خود» طراحی کنم اما دست بر قضا در شرایط کنونی همین پلتفرم‌های دیجیتال هستند که می‌توانند به ساده‌ترین روش نامه‌های مردم را با ما و دیگران به اشتراک بگذارند.علاقه‌مندان به شرکت در این‌مسابقه می‌توانند نامه‌های خود را بی‌هچ محدودیتی کمزاری تا تاریخ ۵ آبان ۱۳۹۹ در فضای مجازی با #برسد_به_دست_خود و مشن (@mehraddafakher mehrdadfakher@yahoo.com منتشر و به نشانی پست الکترونیک mehrdadfakher@yahoo.com ارسال کنند تا توسط س‌ه‌ادور این مسابقه بررسی شوند. آن‌دسته از علاقه‌مندان به شرکت در این‌مسابقه که از آوردن اسم خود در نامه‌ها معذورند، می‌توانند نامه‌ها را به اسم مستعار در اختیار این جشنواره قرار دهند.

رمان جدید مک‌یوان با محتوای عشق و هوش مصنوعی وارد ایران شد

رمان «ماشین‌هایی مثل من، آدم‌هایی مثل تو»؛ پانزدهمین رمان ایان مک یوان که سال ۲۰۱۹ در انگلستان منتشر شد با ترجمه فارسی شکان دانشمند که پیشتر به‌عنوان مترجم آثار جان‌اتان کو در ایران شناخته می‌شد، روی پیشخوان کتابفروشی‌ها قرار گرفت.

ایان اثر دوراهی از بریتانیا در دهه هشتاد میلادی را به تصویر می‌کشد که در آن، بریتانیا جنگ فاکلند را باخته است، اینترنت اینترنت و ماشین‌های خودکار پا به دنیای مدرن گذاشته‌اند و از همه مهم‌تر آن تورینگ که دانشمند برجسته رشته علوم کامپیوتر و ریاضیات محسوب می‌شود، هنوز زنده است. داستان حول محور رابطه روباتی هوشمند و صاحبش، چارلی فرِند، می‌گردد و رفته‌رفته به مثالی عشقی تبدیل می‌شود. مهم‌ترین چالش سر راه چارلی، می‌راندنا و روبات هوشمندی که «آدم» نام دارد، روبات پیچیده عاطفی و گرفتن تصمیمات مهم اخلاقی است. کتاب «ماشین‌هایی مثل من، آدم‌هایی مثل تو» که رمان علمی‌تخیلی از زیرگونه هوش مصنوعی (Artificial Intelligence) محسوب می‌شود اگرچه موضوع اصلی داستان ارتباط محبوس خود انسان‌هاست و بر عکس دیگر رمان‌های این ژانر، زمان داستان در آینده نیست و کاملاً به مسائل مبتلايه امروز می‌پردازد. ایان راسل مک‌یوان؛ رمان‌نویس بریتانیایی است که تاکنون چند کتاب از او به فارسی برگردانده شده است. او به‌عنوان یکی از تأثیرگذارترین شخصیت‌ها در فرهنگ و ادبیات امروز بریتانیا شناخته شده است. مک‌یوان تاکنون برنده بیش از ۲۵ جایزه‌ی معتبر بین‌المللی ادبیات از جمله جوایز سامرز موام و... شده است.

در بخشی از این کتاب می‌خوانیم:

«...نسل‌کشی، شکنجه، برده‌داری، قتل‌های خانگی، کودک‌آزاری، تیراندازی در مدارس، تجاوز و حیم بالای خوشن‌تهای روزمره، ما در کنار این مشتقت و رنج زندگی می‌کنیم و شگفت‌زده نمی‌شیم و باز هم چیزهایی برای شاد بودن پیدا می‌کنیم، حتی برای عاشق شدن. هوش‌های مصنوعی مقاومت ما رو ندارند.»
کتاب «ماشین‌هایی مثل من، آدم‌هایی مثل تو» ۳۴۲ صفحه است و با جلد شومیز، کاغذ سبک و قیمت پشت جلد ۴۹۰۰۰ تومان، روانه بازار کتاب شده است.

طوفانی که از اثر پروهانه‌ای خوردن خفاش در چین، کل جهان را درنوردید، اکنون زندگی تمام انسان‌ها در جهان را به نحسی عجیبی دچار کرده است. اقتصاد، سیاست و فرهنگ در سطح جهان به ناچار صورتبندی‌های جدیدی را به خود گرفته‌اند. صورتبندی‌هایی که شاید بسیاری از مولفه‌هایش باب طبع کارگزاران نباشد، اما انرژی از آن نیست. کرونا چون توانست علم را شکست دهد، انسان مغرور از تکنولوژی را به ترس دائمی از مرگ دچار کرد. همچنین کرونا انسان مدرن را که داعیه زندگی در دهکده جهانی را داشت، نه تنها از نزدیکانش ترساند و دور کرد بلکه غم از دست دادن آنها را نیز به جانش انداخت. پس کرونا فارغ از تمام ضربه‌هایی که به بشریت وارد آورد، فرهنگ جهان پس از خود را نیز دچار تغییر و تحولات اساسی خواهد کرد.

کرونا در بدو ورود به ایران نیز مسائل و معضلاتی را آفرید. بیشتر از این رخداد گزارش‌هایی مبنی بر فرهنگ ناصحیح مراجعه به پزشک و استفاده ناصحیح از دارو و... توسط ایرانیان، منتشر شده بود. کرونا و مرگ ناشی از آنکه اجازه سوگ را هم از بازماندگان سلب می‌کند، باعث شد تا مؤلفه‌های ضدفرهنگی رابطه پزشک و بیمار بیش از پیش خود را نشان دهد. همین مساله باعث شده تا کادر پزشکی کشور که فرهنگمان خط مقدم مبارزه با کرونا هستند، بجز فرسودگی ناشی از رسیدگی به بیماران، معضل مواجهه با خانواده‌های بیماران را نیز داشته باشند. در مساله چند و چون فرهنگ ارتباط با پزشک در ایران با اشنین حیدری، پزشک و روزنامه‌نگار به گفت‌وگو نشستیم. حیدری یکی از اعضای جامعه پزشکی کشور و کادر درمان کروناست که ماه‌هاست بدون مرخصی به مبارزه با این ویروس مشغولند.

گفت‌وگو با این پزشک را در ادامه بخوانید:
از نظر شما هراس و ترس از مرگ ناشی از کرونا، چه مشکلاتی را باعث شده است؟
انسان‌ها در برخورد با تعارضات (conflicts)، از مکانیسم‌های دفاعی مختلفی استفاده می‌کنند که بعضی از آن‌ها باالغانه است و بعضی هم ناپایته. هراس از مرگ در دوران پاندمی کرونا، یکی از تعارضاتی است که انسان ایرانی اخیراً با آن مواجه شده و جنس این ترس برای هر ملت با توجه به پیش‌زمینه‌های ذهنی و نوع مواجهه آن‌ها متفاوت است. به نظر من انسان ایرانی آشنایی ترسناکی با کرونا داشت، ما تنها کشوری بودیم که مواجهه‌مان ابتدا نه با خود بیماری، بلکه با مرگ ناشی از کووید ۱۹ بود.

انتهای بهمن ماه سال گذشته (۱۳۹۸) فیلمی از بخش مراقبت‌ها ویژه بیمارستانی در قم منتشر شد که فردی به خود از تنگی نفس می‌پیچید و بلافاصله گفته شد این فرد کرونا گرفته و فوت کرده است. وزارت بهداشت هم اعلام کرد که بله! کرونا وارد ایران شده و متأسفانه دو مبتلا شناسایی شدند که هر دوی آن‌ها نیز فوت کردند. ایرانی‌ها دیدند که یک بیماری عجیب آمده که دو نفر را درگیر کرده و هر دو مرده‌اند. آن ویدئو و این مواجهه ترسناک بود. گذشت زمان هم کمکی نکرد، به‌خصوص وقتی فیلمی از سردخانه‌ای بیرون آمد که جنازه‌های بسیاری کنار هم قرار داشت و ادعا می‌شد این‌ها همه مبتلا به کرونا بوده‌اند. بعد فیلم‌های بسیاری آمد که پرسنل اورژانس، با لباسی که برای ما ناآشنا بود و پداور فیلم‌های فضایی، وارد خانه‌ها می‌شدند و با ترس، «کرونايي‌ها» را به آمبولانس منتقل می‌کردند، حتی چند فیلم منتشر شد که افرادی روی زمین افتاده بودند، مثلاً یک فیلم از فروشگاه‌ی زنجیره‌ای در شیراز، و ادعا شد که این‌ها کرونا داشتند و حالشان خوب بوده و ناگهان به زمین افتاده و مرده‌اند. این مواجهه اولیه بسیار ترسناک بود.

هراس از مرگ در دوران پاندمی کرونا، یکی از



تعارضاتی است که انسان ایرانی اخیراً با آن مواجه شده و جنس این ترس برای هر ملت با توجه به پیش‌زمینه‌های ذهنی و نوع مواجهه آن‌ها متفاوت است. کرونا و مرگ ناشی از آنکه اجازه سوگ را هم از بازماندگان سلب می‌کند، باعث شد تا مؤلفه‌های ضدفرهنگی رابطه پزشک و بیمار بیش از پیش خود را نشان دهد. همین مساله باعث شده تا کادر پزشکی کشور که فرهنگمان خط مقدم مبارزه با کرونا هستند، بجز فرسودگی ناشی از رسیدگی به بیماران، معضل مواجهه با خانواده‌های بیماران را نیز داشته باشند. در مساله چند و چون فرهنگ ارتباط با پزشک در ایران با اشنین حیدری، پزشک و روزنامه‌نگار به گفت‌وگو نشستیم. حیدری یکی از اعضای جامعه پزشکی کشور و کادر درمان کروناست که ماه‌هاست بدون مرخصی به مبارزه با این ویروس مشغولند.

گفت‌وگو با این پزشک را در ادامه بخوانید:
از نظر شما هراس و ترس از مرگ ناشی از کرونا، چه مشکلاتی را باعث شده است؟
انسان‌ها در برخورد با تعارضات (conflicts)، از مکانیسم‌های دفاعی مختلفی استفاده می‌کنند که بعضی از آن‌ها باالغانه است و بعضی هم ناپایته. هراس از مرگ در دوران پاندمی کرونا، یکی از تعارضاتی است که انسان ایرانی اخیراً با آن مواجه شده و جنس این ترس برای هر ملت با توجه به پیش‌زمینه‌های ذهنی و نوع مواجهه آن‌ها متفاوت است. به نظر من انسان ایرانی آشنایی ترسناکی با کرونا داشت، ما تنها کشوری بودیم که مواجهه‌مان ابتدا نه با خود بیماری، بلکه با مرگ ناشی از کووید ۱۹ بود.

مردم برای حل این تعارضات چه کردند؟
حالا انسان ایرانی با این دو تعارض (conflict) بزرگ برخورد کرده بود. و باید راهی می‌جست. چطور پاسخ داد؟ بسیاری یک راه‌حل نادرست داشتند که از زمان فروید در روان‌شناسی به آن راه حل انکار (denial) می‌گویند. ناگهانی آمدند زدن زیر میز و گفتند اصلاً چنین چیزی وجود ندارد! حتی در تئوئیر می‌بینیم که بعضی‌ها هشتگ می‌زنند که ماسک نمی‌زنیم. یا هشتگ دروغ کرونا بعضی مدعیان طب‌های دروغین، که مخالف علم پزشکی مدرن هستند، هم بر این آتش دمیدند. این روزها اگر از هر پزشکی سوال کنید، به شما می‌گویند که روزانه افرادی را می‌بینند که به آن‌ها می‌گویند که اصلاً کرونا وجود ندارد. این دسته از مردم دلایل متفاوتی می‌آورند. بعضی می‌گویند بازی سیاسی است، بعضی آن‌ها را به توطئه کشورهای غربی و شرقی و با شرکت‌های داروسازی مرتبط می‌کنند، یا بعضی که آشنایی قبلی با مسائل علمی دارند، به صورت ملایم‌تری این مساله را انکار می‌کنند و می‌گویند: کرونا وجود دارد، قبول، ولی بی‌خود بزرگش کرده‌اند. بعضی از آن‌ها می‌گویند که این سلطه عبور کردند و به سطح بعدی رسیدند که راه‌هایی پیش‌رفته‌تر است، ولی



هم‌چنان صحیح نیست و به آن غیربالغانه (یا ناپایته) می‌گویند. مثلاً یک‌عده آن‌چنان وحشت زده شدند که دچار خودبیمارانگاری (hypochondriasis) شدند و با این‌که سالم بودند، اصرار می‌کردند که دچار بیماری شده‌اند. بعضی از این افراد هر روز در آزمایشگاه‌ها و مطب‌ها بودند و با کوچک‌ترین علامت غیراختصاصی، فکر می‌کردند کرونا گرفته و زندگی‌شان رو به اتمام است! البته به خاطر حضور مداوم در مراکز درمانی، بعضی‌ها واقعاً مبتلا شدند. این روزها اگر از هر پزشکی سوال کنید، به شما می‌گویند که روزانه افرادی را می‌بینند که به آن‌ها می‌گویند که اصلاً کرونا وجود ندارددر اسفند ۹۸ و فروردین‌ماه سال نو، بیش‌تر مردم این مسائل را رعایت کردند و دولت هم انصافاً خیلی تلاش کرد و آمار ابتلاء و بعد بستری و در نهایت مرگ و میر پایین آمد. بعد عده‌ای از مردم با دیدن کم شدن آمارها و بازگشایی ادارات فکر کردند که دیگر لازم نیست مثل قبل رعایت کنند و به اصطلاح خودشان «کرونا را تقریباً شکست دادند.» همین باعث شد

که جامعه گارد را پایین بیاورد و ناگهان دوباره آمار بالا رفت و موج دوم شکل گرفت. باز دوباره مردم و دولت در کنار هم موضوع را جدی گرفتند و آمار کاهش شد. به چند تعطیلی رسیدیم و خیلی تبلیغ شد که مردم به سفر نروند و برای عزاداری‌ها هم دستورالعملی تهیه شد. اکثریت مفید بودند اما عده‌ای رعایت نکردند و متأسفانه موج سوم شکل گرفت که بسیار نگران کننده است، چون در ابتدای فصل سرد هستیم که هم‌زمان با اپیدمی بسیاری از بیماری‌های تنفسی دیگر است. به نظر می‌رسد مدتی است که مردم بیش‌تر از قبل رعایت می‌کنند و بدون شک تعداد کسانی که ماسک می‌زنند به مراتب بیش‌تر از ماه‌های قبلی شده، بهداشت دست‌ها هم رعایت می‌شود، ولی متأسفانه به مهم‌ترین قسمت این مثلث ایمنی، یعنی فاصله‌گذاری اجتماعی، کم‌تر توجه می‌شود. علی‌رغم این‌که اکثر مردم درباره دوره نهفتگی می‌دانند و علائم متنوع کرونا را بارها در رسانه‌ها مرور کرده‌اند، این دانسته‌های بارزش را در عمل و به خصوص در بحث فاصله‌گذاری رعایت نمی‌کنند. شیبه دانشجویی شده‌ایم که درس تنوری را با نمره بالا قبول شده، ولی در پاس کردن واحد عملی همان درس می‌لنگد!

فرهنگ انتظار از پزشک در ایران آیا نیاز به تغییر دارد؟
تصور می‌کنم که رابطه پزشک و بیمار در این سال‌ها دچار مشکلات اساسی شده است و باید حتماً در این باره فکری کرد. بسیاری از مردم از پزشکان گلابه‌های زیادی دارند، گلابه‌هایی که بیش‌تر اوقات فی‌نفسه درست هستند ولی پزشک نمی‌تواند برای آن کاری انجام دهد. بیماران اگر با پزشکان صحبت کنند می‌بینند که شکایت‌های آن‌ها بسیاری از اوقات شبیه هم است و هم پزشکان و هم بیماران از مسائلی مشابه ناراحت هستند. در

تصور می‌کنم که رابطه پزشک و بیمار در این سال‌ها دچار مشکلات اساسی شده است و باید حتماً در این باره فکری کرد. بسیاری از مردم از پزشکان گلابه‌های زیادی دارند، گلابه‌هایی که بیش‌تر اوقات فی‌نفسه درست هستند ولی پزشک نمی‌تواند برای آن کاری انجام دهد. بیماران اگر با پزشکان صحبت کنند می‌بینند که شکایت‌های آن‌ها بسیاری از اوقات شبیه هم است و هم پزشکان و هم بیماران از مسائلی مشابه ناراحت هستند. در

«آی‌شمن در اورشلیم» به چاپ هفتم رسید

برخاسته از ظلمت شکست بخوریم تا از یک انسان معمولی، چون به این‌ترتیب خودمان را کمتر مقصر می‌دانیم و این، همان نکته‌ای است که شورا‌های یهود و حکومت حاکم یهودی در فلسطین اشغالی دوست نداشت بپذیرد. اما آرنت فقط گزارشگر این صحنه نمایش نبود و با بررسی اسناد و مدارک، نقشی را که آی‌شمن در مهاجرت یهودیان در تصفیه یهودیان ایفا کرده، تحلیل کرد و پرده از شری برداشت که نسبت به آی‌شمن ظهور و بروز پیدا کرده بود. آرنت در سخن‌گفتن از این شر، تعبیری را به کار می‌گیرد که پس از انتشار این گزارش‌ها بحث‌های زیادی پدید آورد: ابتلال شر (جالب است که آرنت در کل کتاب تنها دوبار از این تعبیر و یک بار از وصف مبتذل استفاده کرده است).

آدولف آی‌شمن، از دید آرنت یک هیولا نبود؛ شیطان نبود، مکبت نبود، ریچارد سوم هم نبود که بر سر آن باشد که نابه‌کار شود. مشکل او دقیقاً همین بود: افراد بسیاری شبیه به او بودند، آدم‌هایی نه منحرف و نه سادیس‌ت، بلکه به‌شکلی اسفبار و هولناک معمولی معمولی. آرنت در کتاب خود، به حاکمان اسرائیل، دادستان پرونده آی‌شمن و نمایشی که برایش راه انداختند دارد. او تأکید می‌کند موضوع محاکمه آی‌شمن «اعمال شخص» آی‌شمن است، نه مصائب یهودیان، نه مردم آلمان یا کل بشریت، نه حتی نژادپرستی.

آرنت در فصل اول کتابش، دادستان دادگاه را عملاً عروسکی در دستان داوید بن گوریون، نخست‌وزیر فلسطین اشغالی، می‌بیند که تمام تلاش خود را می‌کند تا دادگاه را چنین ترتیب دهد که به رنج‌های یهودیان بپردازد و از آن استفاده‌ای سیاسی برده، گویی باز هم در این‌دادرها پریهاهو قربانیان دوباره قربانی می‌شوند، قربانی جابه‌طلبی بن گوریون و نمایش پرسروصدایشان.

بن‌گوریون در این‌دادگاه از دید آرنت، نقش آی‌شمن را در

راه‌حل مسئله یهود بسیار پررنگ می‌کند و به قول آرنت، دست به اغراق فراوان می‌زند؛ گویی آی‌شمن مقامی بالاتر از هیملر که اساس و پلیس آلمان تحت رهبری‌اش بود) و هایدریش (که اداره اصلی امنیت رایش در اختیارش بود) داشته است. در قسمتی از این‌کتاب می‌خوانیم:

ملاحظات حقوقی به کنار، حاضرشدن مبارزان یهودی سابق

جریان‌های مقاومت در جایگاه شهود به قدر کافی خوشایند

بود. آن شیخ آزادندهنده همکاری سراسری، آن جوّ خفقان‌آور

و مسمومی که راحل نهایی را احاطه کرده بود، تا حدی از

میان برد. این‌واقعیت کاملاً واضح که خود عمل قتل را در مراکز

اصل هر دو، قربانی سیستم‌اند، ولی از آن‌جا که بیمار فقط با پزشک سر و کار دارد و سیستم پشت او را نمی‌بیند، این‌طور فرض می‌کند که مقصر تمام این مشکلات، پزشکان هستند.

مثلاً به بیمارستان مراجعه می‌کنند و می‌بینند برای مشکلی ساده چند ساعت باید در اورژانس معطل بمانند و پزشکان هم از این شاکی هستند که بیش‌تر مراجعات به اورژانس، بی‌دلیل است و این بیماران باید به جای اورژانس، به درمانگاه یا مطب مراجعه کنند. این یعنی سیستم مشکل دارد، که قسمتی از آن، سیستم فرهنگی است. برای آن بیمار توضیح داده نشده که بیماری اورژانسی یعنی چه و چه وقت باید به اورژانس و چه موقع به درمانگاه مراجعه کند. سعی می‌کنم بیش‌تر از اورژانس مثال بزنم، چون قسمت عمده‌ای از شکایات مردم مربوط به اورژانس‌هاست. از طرف دیگر گاهی به نسبت مراجعه، امکانات کافی وجود ندارد. در بیمارستانی که ۲۰ تخت اورژانس وجود دارد و همه پر شده، بیماران جدید ناراحت می‌شوند که چرا بستری نمی‌شوند و به اصطلاح بین بیمارستان‌ها پیاس‌کاری می‌شوند و این را از چشم پزشکان می‌بینند. بعضی به اشتباه می‌گویند راه حل این است که تعداد پزشکان را زیاد کنیم، در حالی که به نظر می‌رسد در بیش‌تر اوقات، لاقول در بخش اورژانس، مشکل کمبود پرسنل درمانی نیست، بلکه مسأله اساسی کمبود امکانات، به‌خصوص در بخش بستری است.

شما این است که مدت زیادی در اورژانس معطل می‌شوید، مقصر این مسأله پزشک نیست، بلکه علل دیگری دارد. فرهنگ مراجعه به مطب‌ها یک خصوصی هم باید تغییر کند. ما گاهی می‌بینیم که بیماران ساعت‌ها باید در مطب یک پزشک معطل می‌شوند تا نوبت ویزیت آن‌ها برسد. در حالی که می‌توانند به پزشک جوان دیگری مراجعه کنند که سطح سواد آن‌ها گاهی از آن صاحبان مطب‌های شلوغ هم بیش‌تر است.

یک راه حل خیلی خوب برای حل مشکلات بیماران سربایی، شکل‌دهی نظام ارجاع و پیگیری سیستم پزشک خانواده است، همان‌طور که در بسیاری از کشورهای پیش‌رفته دنیا هم همین‌طور است. به این صورت که هر پزشک عمومی مسئول چند خانواده می‌شود، و تبدیل می‌شود به پزشک خانوادگی آن‌ها. و برای هر کدام پرونده درست می‌کند. این پزشک باید تمام اعضای آن خانواده‌ها را می‌شناسد و با شناخت کاملی که پیدا می‌کند، بهتر می‌تواند در تشخیص و درمان، و حتی پیگیری و پیش‌گیری به آن‌ها کمک کند.

هر چند پزشک عمومی نیز به چند پزشک متخصص وصل می‌شوند و یک رابطه طولی شکل می‌گیرد، به این شکل که ویزیت تخصصی، صرفاً پس از ارجاع پزشک خانواده امکان پذیر می‌شود. اگر کسی هم علاقه داشت این سیستم را دور بزند، می‌تواند همان اول به هر متخصصی که دلش خواست مراجعه کند، ولی بیمه دیگر در قبال ویزیت و داروهای او تعهدی نخواهد داشت و باید آن‌ها را به تعرفه آزاد پرداخت کند. از خوبی‌های این سیستم، که در دنیا رایج است، این است که بار بیماران را بین پزشکان تقسیم می‌کند، زمان انتظار برای ویزیت پزشکان را کاهش می‌دهد، مراجعات بی‌مورد به متخصصین را کاهش می‌دهد و در کل باعث افزایش دسترسی عادلانه به خدمات پزشکی در بخش سربایی می‌شود. در کشورهای مختلف، راحل‌های متفاوت خوبی وجود دارد و ما می‌توانیم از این راه‌حل‌ها استفاده کنیم.

در دوران پاندمی کووید ۱۹ مردم فداکاری پزشکان و پرستاران را دیدند و حالا که این اعتماد بیش‌تر از قبل شده، زمان خوبی برای انجام این اصلاحات ساختاری در نظام درمان و بهداشت کشور است.

اخبار

«**پس از باران» در آی‌فیلم**

شبهه آی‌فیلم بازپخش سریال «پس از باران» را از شنبه ۲۶ مهر برای هموطنان آغاز می‌کند.

به‌گزارش امتیاز، مجموعه به‌یادماندنی «پس از باران» به‌کارگردانی سعید سلطانی، با پایان سریال «ریحانه» از شنبه هفته بعد روی آنتن می‌رود.

«پس از باران» سال ۱۳۷۹ روی آنتن رفت، سریالی خوش‌ساخت و استاندارد که تا سال‌ها ماندگار شد و بازپخشش هم مورد استقبال قرار گرفت.

این سریال در کلام اول داستان ساده‌ای دارد. در سال‌های پایانی حکومت قاجار و ابتدایی حکومت رضاخانی و نظام ارباب‌رعیتی آن زمان می‌گذرد. اشاره مستقیمی به بعد سیاسی ماجرا نشده؛ اما حکمرانی اربابان منطقه بر رعایایشان و رنجی که طبقه کارگر تحمل می‌کردند و حتی اختیاری بر تصمیمات شخصی زندگی‌شان نداشتند، در لحظه‌لحظه دقیقای داستان محسوس است.

پس از باران بیش از هر چیز روایت رنج زنان است؛ زنانی که هر یک به نوبه‌ای مورد محبت نظام مردسالار قرار گرفتند. شهربانو، شخصیت اصلی و محوری داستان (با بازی مرجان محمتمد) دختری روستایی است که به دلیل فرزنددار نشدن همسر اول ارباب (کتابون ریاحی) به‌عبارت به عقد ارباب(محمود پاک‌نیت) درمی‌آید، اما.

بهژاد فراهانی، ثریا قاسمی، نیکو خرم‌مند، جمیله شیخی، مهوش صبرکن، جهانگیر الماسی، کیومرث ملک‌مطیعی و... دیگر بازیگران این سریال بوده‌اند.

«پس از باران» هر شب، به‌جز پنجشنبه‌ها، ساعت ۲۲ پخش می‌شود.علاقه‌مندان می‌توانند تکرار این سریال را در دو نوبت در ساعت‌های ۶ صبح و ۲ بعدازظهر دنبال کنند.

تکاه‌ی تلاش های دولت در آخربین سال فعالیتش در شبکه پرس تی وی
برنامه این هفته «ایران امروز» (Iran Today) در شبکه پرس تی وی به بررسی وضعیت دولت حسن روحانی در سال پایانی فعالیت آن و تلاش های صورت گرفته در مسیر حل مشکلات متعدد اجتماعی و اقتصادی کشور می پردازد.

به گزارش امتیاز، این برنامه به تهیه کنندگی ساتراپ شجاعی با اشاره به نظر برخی کارشناسان مبنی بر ناتوانی دولت در حل مشکلات گسترده به ویژه مشکلات اقتصادی، وضعیت دولت روحانی در آخرین سال فعالیتش و اشاره به معرفی تحریم ها به عنوان مقصر اصلی در مشکلات ایجاد شده از سوی دولت مورد بحث و بررسی قرار می دهد.در این برنامه با مروری بر تاریخچه تحریم های شدید آمریکا علیه ایران از ابتدای تاسیس جمهوری اسلامی ایران، نگاهی خواهد داشت به کاهش درآمدهای دولت در سال های گذشته به دلیل تحریم ها، تلاش های دولت برای هدایت سرمایه ها به سمت تولید، میزان اتفاع کسب و کارهای غیرمولد از تصمیم ای وزارتخانه ها، اقدامات دولت برای کاهش اتکای بودجه سالانه به صادرات نفتی و میزان ضررهای دولت های یازدهم و دوازدهم از اعتماد به آمریکاها و راه حل خروج از آن را مورد بحث و گفت و گو قرار خواهد داد.
تأکید اقتصاددانان بر توجه ویژه به توان داخلی صنایع، کارآفرینان و شرکت های دانش بنیان برای کاهش اتکا به خارج از کشور و راهکارهای احتمالی برای مهار تورم و مشکلات موجود برای اجرای آنها از دیگر محورهای مورد بررسی در این برنامه است. «ایران امروز» با اجرای ایلا فرامرزی ساعت ۰۱:۰۰ بامداد چهارشنبه ۲۳ مهر از شبکه پرس تی وی پخش می شود.
تکرار این برنامه چهارشنبه در دو نوبت در ساعات ۰۶:۰۰ و ۱۲:۰۰ و پنجشنبه در دو نوبت در ساعات ۰۸:۰۰ و ۲۱:۰۰ و جمعه ساعت ۱۷:۰۰ روی آنتن خواهد رفت.

مستند «یهود از بیماری» از قاب هیسپان تی وی

شبکه اسپانیایی زبان هیسپان تی وی مستند «یهود از بیماری» (Enfermarse Para Curarse) را که درباره زندگی در ثروتمندترین کشور دنیا یعنی سوئیس و عدم توانایی و امکان دریافت خدمات درمانی پزشکی در این کشور است، روی آنتن می برد.

به گزارش امتیاز، این مستند به هزینه های بالای دارویی در کشور سوئیس می پردازد. دارو و درمان در سوئیس با وجود اینکه این کشور از ثروتمند ترین کشورهای دنیا است هزینه های زیادی دارد که معمولاً بیماران قادر به تقبل هزینه های دارویی برای درمان خود نیستند.
هیاتیتC بیماری شایع در این کشور است که بیش از ۷۰۰ هزار نفر در این کشور مبتلا نه آن هستند ولی با وجود تشخیص بیماری، داروهای مربوطه برای درمان در اختیار بیماران قرار نمی گیرد و سازمان مربوطه تنها در صورتی که بیمار مرز شرایط حاد را رد کند، داروهای درمانی را در اختیار آنها قرار می دهد.
در این برنامه همچنین بیان می شود بیمارانی که افسرده و ناامید هستند و توانایی کار ندارند،نام مورد تست و آزمایش قرار می گیرند تا روند بیماری آنها تحت نظر باشد اما حلال خوبی ندارند و یهودی حاصل نمی شود چرا که نمی توانند داروهای مربوطه برای درمان را تهیه کنند.
این جدا از هزینه ها ی ثانویه آنها برای زندگی ست که شرایط را برای این بیماران سخت می کند.
در این کشور سالانه حدود ۴۰۰ هزار نفر به خاطر این بیماری می میرند که این آمار هشتمین کشور است.
ها حتی از امار قربانیان ایدز هم بیشتر است.
مستند « یهود از بیماری » برای مخاطبان اسپانیایی زبان، روز سه شنبه ساعت ۹ و ۱۵:۱۰ وقت تهران روی آنتن هیسپان تی وی می رود و تکرار آن همان روز ساعات ۹ و ۱۵:۱۰ روز چهارشنبه ساعت ۱۰:۳۰ دقیقه بامداد روی آنتن خواهد رفت.